

منابع گزارش و خبر / خبر گزاری باخترا / کلید / صبح بخیر / تارنماه کابل پرس / خبر
گزاری کوکچه / آریانانت / صدای امریکا—

جوزای سال 1390

ماه می 28 سال 2011

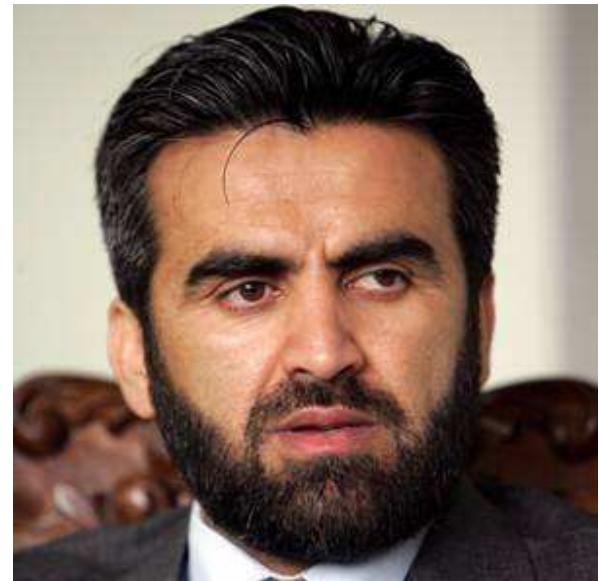
گرد آوری

گزارش گونه از باقی سمندر را در مورد تخار با همیگر بخوانیم.

بایست

بدانیم که در تخار چه گذشت و چه می گذرد ؟





رادیو آزادی نوشت :

تازه ترین خبر های افغانستان و جهان / افغانستان

جنرال داود داودزاده قوماندان زون 303 و قوماندان امنیه تخار کشته شدند

07.03.1390

جنرال داود داودزاده قوماندان زون 303 پامیر در شمال و شاه جهان نوری قوماندان امنیه ولايت تخار امروز کشته شدند.

امر امنیت اوپراسیون قوماندانی امنیه و لایت تخار در صحبت با رادیو آزادی گفت، این افراد همراه با سه تن دیگر زمانی کشته شدند که یک مهاجم انتحاری خودش را در داخل ساختمان قوماندانی امنیه تخار انفجار داد.

گفته شده است، که در این رویداد عبدالجبار تقی والی تخار زخم برداشته و به شفاخانه انتقال داده شده است.

مسؤولیت این حمله را طالبان مسلح به عهده گرفته اند.

حمله انتحاری بر مقامات ولایت تخار

جنرال داود داود قوماندان عمومی زون شمال و شاه جهان نوری قوماندان امنیه و لایت تخار در جمله کشته شدگان اند.



صدای امریکا نوشت :

یک حمله کننده انتحاری مقامات ولایت تخار را آماج قرار داد

خبرنگار رادیو آشنا از شهر تالقان گزارش میدهد که در این حمله هفت تن به شمول جنرال محمد داوود داوود قوماندان عمومی زون شمال، شاه جهان نوری قوماندان امنیه و سه تن از مقامات آلمانی ناتو کشته شده اند.

خبرنگار صدای امریکا گزارش میدهد که در این حمله ۹ تن دیگر به شمول عبدالجبار تقوا والی آن ولایت نیز مجرح گردیده اند.

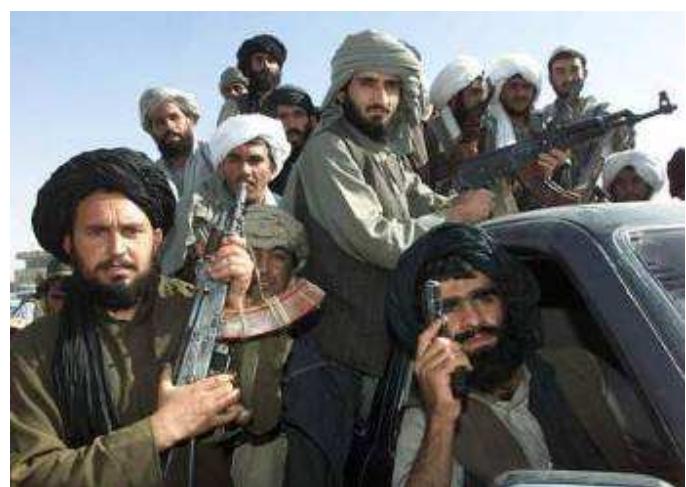
-----.

طالبان دو نفر را در شمال کشور آتش زند

خبر گزاری کوچه نوشه است که :

جمعه, 27 می 2011 00:00

جنرال داوود داوود، قوماندان پولیس زون



303 پامیر در شمال می گوید که طالبان دو نفر را در ولایت سرپل آتش زده اند.

وی، می افزاید که طالبان اجساد این افراد را سه روز نزد خود نگهداشته و بعداً به بازماندگان اجساد تحويل داده اند.

جنرال داوود که عصر روز پنج شنبه 5 جوزا در یک نشست خبری به خبرنگاران معلومات می داد، گفت یکی از این دو نفر که توسط طالبان آتش زده شده، راننده یک قوماندان طالبان بوده است.

به باور قوماندان پولیس زون 303 پامیر، شخص دوم که آتش زده شده، به نام خیرالله می باشد که ابتداء توسط ملا مستو، یکی از قوماندان طالبان ربوده شده و بعداً توسط طالبان حرق شده است.

ملا مستو، یکی از قوماندان طالبان بوده که در ولسوالی چمنtal ولایت بلخ و ولسوالی گوسفندی ولایت سرپل به سرمی برد.

پولیس همچنان اذعان میدارد که ملا مستو، چهار روز پیش توسط محافظ اش کشته شده است.

به گفته جنرال داوود، ملا مستو، چهار روز پیش زمانی کشته می شود که در نخست محافظ خود را مورد لت و کوب قرار داده و بعداً از او می خواهد که محل بود و باش اش را محافظت کند.

محافظ او که در عین حال راننده اش نیز بوده، شب هنگام زمانی که ملا مستو در خواب بوده بر او حمله کرده، مستو را با شش نفر دیگر از طالبان به قتل می رساند.

بعد از این رویداد، وی که محمد نام داشته با خیرالله که توسط ملا مستو اختطاف شده بودند، از سوی سایر طالبان به دستور ملا نصرالدین، آتش زده شده اند.

ملا نصرالدین، معاون والی نهاد طالبان در ولایت بلخ خوانده شده است.

طالبان در این مورد تا هنوز به رسانه ها چیزی نگفته است.

از سوی دیگر قوماندان زون 303 پامیر از راه اندازی عملیات پاکسازی توسط نیروهای افغان و خارجی در ولایت های سرپل و بلخ نیز خبر می دهد.

او می گوید در آخرین مورد از این رشته عملیات ها که شب گذشته در ولسوالی چمبال ولایت بلخ صورت گرفته، دو شورشی به نام های ملا سردار و ملا خیرو، بازداشت شده اند.

جنرال داود، از تشکیل پولیس محلی در ولسوالی قیصار ولایت فاریاب نیز خبرداده، گفت به تعداد ششصد نفر پولیس محلی در دو کندک در ولایت فاریاب ایجاد شده است.

به گفته موصوف برنامه تشکیل پولیس محلی در سایر ولایات شمال نیز رویدست میباشد.

جنرال داود، از تغییر راهبردی جنگ طالبان نیز سخن زده، اظهار داشت: ((طالبان چون توانائی مقابله را در رو با نیروهای افغان را ندارند از اینرو استراتیژی شان را تغییر داده، آنها به حملات انتحاری، کارگذاری ماین در کنار جاده ها و کشتن افراد متنفذ دولتی و غیر دولتی رو آورده اند.))

او خاطر نشان ساخت که در حال حاضر پولیس در تلاش است تا قطعه واکنش سریع را ایجاد کند که بتوانند به زودترین فرصت خود را به محل حادثه برسانند.

این اظهارات در حالی صورت می گیرد که قرار است تا یک ماه دیگر مسئولیت تامین امنیت شهر مزار شریف در شمال کشور به نیروهای افغان سپرده شود.

آژانس خبری روز

عارف موسوی

بلخ 6 ثور

جنرال داود ، داود و قوماندان امنیه تخار کشته شد

27 May, 2011 07:44:00 Site admin

خبر گزاری باخترا مینویسد :

+ - Font size:



علی رغم اظهارات سخنگوی والی تخار به رسانه ها، گفته میشود جنرال محمد داود، داود قوماندان زون ساحوی پامیر کشته شده است.

علی رغم اظهارات سخنگوی والی تخار به رسانه ها، گفته میشود جنرال محمد داود، داود قوماندان زون ساحوی پامیر کشته شده است. لحظاتی پیش سخنگوی والی کشته شدن جنرال داود را رد کرده بود. اما برخی از رسانه ها از قول مقام های پولیس این خبر را نشر کرده اند که گویا جنرال داود، داود کشته شده است. مگر مسوولان دولتی به آژانس اطلاعاتی باخترا تا هنوز ابراز نظر نکرده اند. اما شاهدان عینی از تخار میگویند که جنرال داود، داود، کشته شده است. یک تن از شاهدان در شفاخانه ولايت تخار به آژانس اطلاعاتی باخترا گفت که جسد جنرال داود و قوماندان امنیه به شفاخانه تخار انتقال شده است. گفته می شود انفجاری عصر امروز در ولايت تخار صورت گرفت که 35 تن به شمول جنرال داود، کشته و زخمی گردید.

آریا نت نوشت که :

انفجار قوی ساختمان دفتر والی تخار را لرزاند

یک انفجار پرقدرت انتحاری ساختمان دفتر والی تخار در شمال افغانستان را لرزاند است.

خبرنگار بی بی سی در تخار می گوید در وقت انفجار یکی از فرماندهان ارشد ناتو و مقام های محلی برای شرکت در یک نشست امنیتی در داخل ساختمان حضور داشته اند.

گفته می شود که عبدالجبار تقوا، والی، ژنرال داود داود، فرمانده پلیس حوزه شمال و شاه جهان نوری، فرمانده پلیس تخار در این نشست حضور داشته اند.

برخی گزارش ها حاکی است که ژنرال داود، آقای تقوا و شاه جهان نوری در این انفجار زخمی شده اند.

برخی منابع در تخار گفته اند که هشت زخمی برای درمان به بیمارستان شهر تالقان، مرکز ولایت تخار منتقل شده اند.

در پی انفجار صدای تیراندازی های پراکنده نیز از محل به گوش رسیده است.

این در حالی است که چند روز پیش، شماری از ساکنان این ولایت در اعتراض به یک عملیات ویژه نیرو های ناتو در تخار، دست به راھپیمایی زدند که به خشونت کشیده شد.

در این عملیات چهار تن کشته شدند. ناتو آنها را وابسته به گروه طالبان می داند، اما تظاهرکنندگان و مقام های دولتی افغانستان گفته اند که آنها غیرنظمی بوده اند.

در جریان این تظاهرات دست کم ۱۲ تن کشته و ده ها نفر دیگر زخمی شدند.

خبر گزاری پژواک مینویسد :

•

جنرال داود و قوماندان امنیه تخار در یک حمله انتحاری کشته شدند در عزیزی by on May 28, 2011 - 17:01

کابل (پژواک ۷ جوزا): جنرال محمد داود قوماندان زون ۳۰۳ پامیر شمال و جنرال شاه جهان نوری قوماندان امنیه تخار، عصر امروز در یک حمله انتحاری در شهر تالقان کشته شدند.

لعل محمد احمدزی سخنگوی فرماندهی زون ۳۰۳ پامیر در شمال، به آذانس خبری پژواک گفت که جنرال داود عصر امروز در یک حمله انتحاری کشته شده است.

خبرنگار آذانس خبری پژواک از محل رویداد گزارش میدهد که گفته میشود مل پاسوال شاه جهان نوری قوماندان امنیه تخار نیز در این حمله کشته شده است.

یک حمله کننده انتحاری یک ساعت قبل وارد ساختمان مقام ولايت گردیده و یک نشست مقامات بلند رتبه امنیتی را هدف قرار داد.

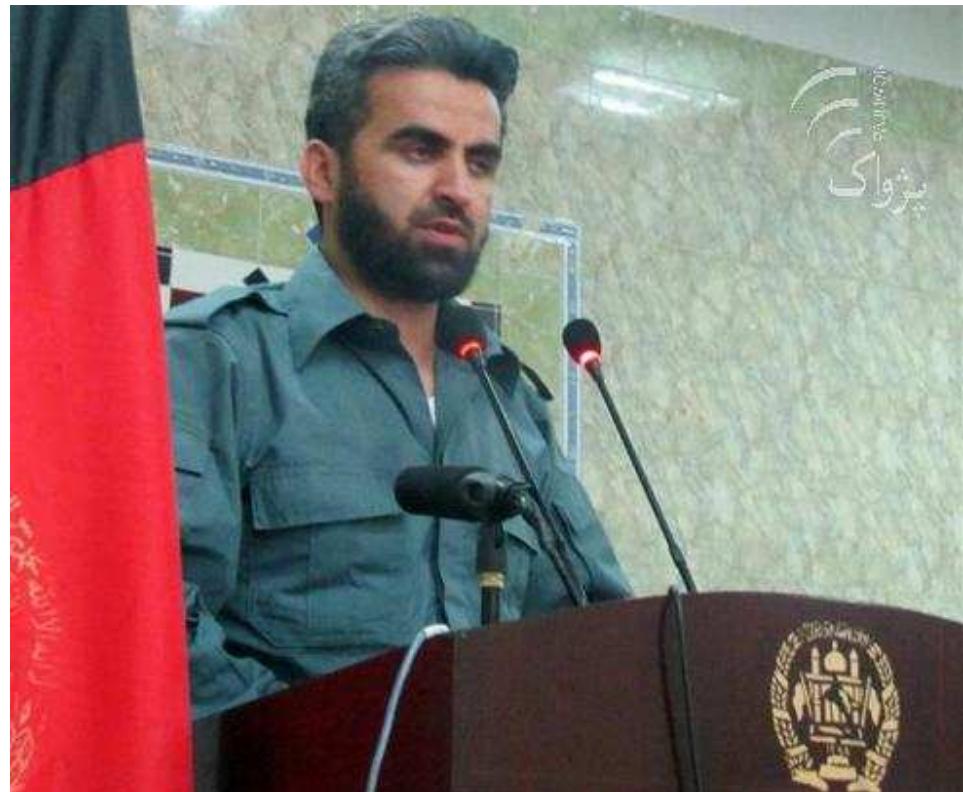
لعل محمد احمدزی گفت که وی نیز در این نشست حضور داشت که ناگهان یک انفجار قوی رُخ داد.

گفته میشود که عبدالجبار تقوا والی تخار در این حمله جراحت برداشته است.

سید محمد یک شاهد عینی واقعه به آذانس خبری پژواک گفت که این واقعه حوالی ساعت ۴:۰۰ عصر امروز رُخ داد.

وی افزود که حمله کننده انتحاری وارد ساختمان مقام ولايت گردیده و در حالی خود را منفجر ساخت که یک نشست مهم امنیتی در آنجا جریان داشت.

جزئیات بیشتر در این مورد بعداً منتشر خواهد شد.



خبر ګزاری بینوا نوشت :

امید : کابل

د تخار د ننۍ زوروري پېښي مسوولیت وسله والو طالبانو په غاره واخت. ذبيح الله مجاهد چي ځان د وسله والو طالبانو ويائند بولي بینوا ته وویل چي دوي نن څه کم پنه بجي په تخار ولايت کي د والي دفتر ته چي د امنتي مجلس غونډه پکبني روانه وه دوه خانمرگي برید کوونکي ليرلي وه چي هله يي چاودنه وکړه. مجاهد وویل چي په برید کي يي د پوليسو د ۳۰۳ پامير زون قوماندان جنرال داورد داورد د هغه مرستيال او سکرتر ، امنيه قوماندان شاجهان نوري او ځيني نور کورني او بهرنۍ چارواکي ووژل او د تخار والي عبدالجبار تقوا تې شو. مجاهد وايي چي په برید کي يي يو شمير دولتي او بهرنۍ کسان تپیان کري هم دي . امنتي سرچينو هم د یادو کسانو د وژلو چي دري يي بهرنیان دي وژل او د نهو کسانو تې کيدل منلي دي. ۲۰۹ شاهین قول اردو قوماندان جنرال ويسا چي د پېښي روغ وتلى دی یوازي د پېښي پخلى کري او نور معلومات يي نه دي ورکري.

سوختاندن جسد یک متنفذ قومی در شمال

تهیه شده توسط کلید
شنبه 07 جوزا 1390 ساعت 08:36



مقام های پولیس در شمال کشور گفته اند که طالبان یک فرد با نفوذ قومی را به همراه یک نفر دیگر کشته و جسد های آنها را سوزانده اند.

جنرال داود داود قوماندان پولیس زون شمال، روز جمعه به بی بی سی گفت که طالبان این رهبر قومی را که خیر محمد نام داشته، سه روز پیش در منطقه "گوسفندی" ولايت سرپل ربوه بودند.

جنرال داود همچنان گفته است که طالبان این فرد را به همراه یک دریور، کشته و سپس اجساد آنان را آتش زده اند.

به گفته جنرال داود، جسد سوخته این متنفذ قومی، سه روز در نزد طالبان نگهداری شده است.

بر اساس این خبر، طالبان پس از سه روز و با وساطت بزرگان قومی منطقه، جسد های افراد کشته شده را به وارثان آنان تسلیم کرده اند.

گفته شده، دریوری که در این حادثه کشته شده، پیش از این در اقدامی مسلحانه یک قوماندان طالب را به همراه هفت تن دیگر از اعضای گروه طالبان کشته بود.

به گفته جنرال داود، طالبان متنفذ قومی را برای گرفتن پول اختطاف کرده بوده اند.

وی همچنین گفته است که هیئت تحقیق از سوی پولیس به منطقه اعزام شده و اعضای این هیئت تحقیقات خود را در این مورد آغاز کرده اند.

طالبان هنوز در مورد این خبر اظهار نظری نکرده اند.

این اولین بار است که طالبان، اقدام به سوزاندن جسد های افرادی می کنند که توسط آنان به قتل رسیده اند.



منیره، قربانی عملیات ناتو در تخار: "پدر و مادرم را پس دهید"

تهیه شده توسط سنت الله تیمور و محمد رضا گلکوهی
شنبه 07 جوزا 1390 ساعت 13:37
کلید



"من فقط پدر و مادرم را می خواهم. من این پول حرام را نمی خواهم، مارا چه کسی سرپرستی می کند، خواهر کوچکم که در گهواره است، چه گناهی دارد؟"

این سخنان منیره یکی از قربانیان حادثه خونین تخار است که از عملیات ناتو جان سالم به در برده است. او از مردمی که در اطرافش جمع شده می خواهد که به او پدر و مادرش را برگردانند. اما آیا این ممکن است؟

به گفته مردم محل در نتیجه عملیات شب هنگام 27 ثور ناتو در منطقه "گاومالی" چهار تن به شمول دو زن کشته شدند. مردم محل می گویند که فربانیان این حمله افراد ملکی بودند که هیچ ارتباطی به گروههای مخالف مسلح نداشتند، هرچند در اعلامیه ناتو آمده است که کشته شدگان این عملیات، وابسته به "جنبی اسلامی ازبکستان" بودند که دو زن مسلح نیز در این گروه شامل بوده اند.

در عین حال، شاجهان نوری، قومندان امنیه تخار تأیید نموده است که چهار نفر از کشته شدگان عملیات ناتو افراد ملکی بوده اند. وی تصریح نموده است که دو زن یک دختر 18 ساله و یک مرد از اعضای این فامیل کشته شده اند.

گزارشگر کلید گروپ که برای به دست آوردن جزئیات بیشتر قضیه در قریه گاومالی سفر نموده است، چنین می‌نویسد:

وقتی وارد قریه گاومالی شدم، محیط اطرافم ساکت و مصیبت زده بود. مردم قریه، آدرس خانه را به من دادند که دروازه کوچک چوبی آن حکایت از وضعیت ناگوار زندگی ساکنان آن داشت. وارد خانه که شدم زنان و مردان ماتم گرفته با آه و اشک از من پذیرایی کردند. با نثار دعایی سعی کردم تا سخنی از مصیبت زدگان حادثه بشنوم، ولی قطره‌های اشک جاری برگونه‌های مردان و زنان ماتم زده اجازه نمی داد تا قفل کلمات در زبان آنان گشوده شود. بالاخره پیرمردی که در همسایگی خانواده مصیبت دیده زندگی می کرد، برایم شرح ماجرا را اینگونه تعریف نمود: "اطراف خانه را محاصره کرده بودند. به ما هم هشدار دادند که از خانه بیرون نشویم. در آغاز فکر کردم امریکایی‌ها برای بردن کدام قومندان سابق یا کدام خان و "بای" آمده اند، اما بعدها خبر شدیم که خانواده مرد غریبکار و معیوبی بنام محمد الله که به شغل خیاطی مصروف بود، مورد حمله قرار گرفته و اعضای خانواده اش کشته شده اند".

پیرمرد از اینکه چنین عملی صورت گرفته سخت متأثر به نظر می‌رسد و از دولت می‌خواهد تا از این مردم مصیبت دیدگان دادخواهی نماید.

هر کدام از بازماندگان حادثه وضع نابسامانی دارد. طفلي که در هنگام عملیات ناتو در گهواره بوده، در حالت صحی ناگواری قرار دارد. شاکره، بزرگترین عضو خانواده قربانی 14 ساله است. او با احساس تنها و بی کسی شدید می گوید: "وقتی عملیات تمام شد، مادرم را در بیرون دیدم که به خون غلتیده بود، پدرم در سوی دیگری افتاده و جان داده بود".

شاکره از شرح قضیه بازمی‌ماند و گلویش را عقده‌های پی هم می‌گیرد. او با فریادی که در اشک و آه آمیخته است ادامه می‌دهد: "این شش طلف بی پدر و مادر را چه کسی سرپرستی کند؟ ما هم اکنون در خانه هیچ کسی و هیچ چیزی نداریم؛ آخر گناه ما چه بود؟"

منیره، خواهر کوچکتر وی در حالی که اشک از چشمانش جاری است، می‌گوید "مادر و پدرم فکر کردند که در خانه دزد آمده است. آنها پشت سر هم به بام رفتند و مورد هدف مردمی قرار گرفتند. آنها زیاد بودند و ما شش نفر شان را دیدیم. پدرم لنگ بود و یک فرد بی‌گناه و بی‌غرض که هیچ تقصیری نداشت".

بهادر، یازنمه محمدالله خیاط می‌گوید: "محمدالله خسربره ام یک پایش لنگ بود. او هیچ گناهی نداشت و به هیچ گروه تروریستی تعلق نداشت".

اما چه کسی پدر و مادر منیره را به او باز خواهد داد یا جای والدین او را پر خواهد کرد؟

این پرسشی است که تنها از حنجره کوچک منیره بر نمی‌آید، بلکه ده سال است که از گلوی اطفال زیادی فریاد شده و پاسخ مناسبی برای آن داده نشده است. تنها واکنش حکومت مردان کشور، اعطای چند هزار افغانی ناچیز به عنوان غرامت و اعلام محکومیت شدید بوده است که هیچ دردی را درمان نکرده است.

شهرزاده مسعود، وزیر مشاور رئیس جمهور نیز به گاومالی آمده بود تا مبلغ پنج صد هزار افغانی اهدایی رئیس جمهور را به منیره تحويل دهد. دخترک مصیبت دیده با اشک شهامت آمیز پول را قبول نکرده می‌گوید: "به من پدر و مادرم را پس بدھید. من این پول حرام را نمی‌خواهم." در عین حال در این جلسه تصمیم گرفته می‌شود که یک نمره زمین نیز توسط شاروالی تالقان به این خانواده مصیبت دیده اهدا گردد.

به هر صورت، این عملیات فاجعه انگیز موجب برانگیختن خشم مردم تخار شده و در شهر تالقان، مرکز این ولایت صدها نفر به سرک‌ها ریختند و به شکل خشونت آمیز دست به مظاهره زدند. در مقابل نیز، آتش باری نیروهای آلمانی و امنیتی افغان و خشونت‌های جاری در حین مظاهره، جان 12 تن را گرفت و 83 زخمی به جا گذاشت.

در خواست آخر تظاهر کنندگان از دولت برکناری والی، قومدان امنیه و رئیس امنیت ملی تخار، اخراج پی‌آرتی تخار و محکمه قاتلان کشته شده‌های اند که به اثر حمله هوایی ناتو صورت گرفته است.

در قطعنامه مظاهره کنندگان آمده است: "مردم با شهامت تخار از حکومت مرکزی خود می‌خواهند، قاتلان و عاملان این فجایع را هرچه زودتر دستگیر و به چنگال قانون بسپارد".

رئیس جمهور کرزی نیز با انتشار اعلامیه‌ای عملیات نیروهای ناتو در تخار را به شدت محکوم و تصریح کرده است که این عملیات به "کشته شدن چهار عضو یک خانواده" انجامیده است.

رخداد خونین تخار، واکنش ولسی جرگه را هم در پی داشت. عبدالرؤوف ابراهیمی، رئیس ولسی جرگه با محکوم کردن عملیات شب هنگام نیروهای خارجی و کشته شدن شماری از مردم در تظاهرات تخار گفت: "تلاشی های خود سرانه و عملیات نیروهای خارجی سبب نتفات ملکی و دوری مردم از حکومت شده است".

وی افزود: "ولسی جرگه افغانستان در اعلامیه ای از شورای امنیت سازمان ملل خواهد خواست تا به عملیات خودسرانه و کشتار افراد ملکی نقطه پایان دهند".

وی اضافه نمود: "مقام های ارشد امنیتی باید در مورد کشته شدن شماری از مردم در تظاهرات تخار و کشته شدن شماری از کارکنان یک شرکت ساختمانی در حمله طالبان در پکتیا جواب بدهند".

ابراهیمی افزود: "اگر جواب مقام های ارشد امنیتی به وکلا قناعت بخش نباشد، در مورد این مقام ها تصمیم دیگری خواهیم گرفت".

قدرت الله ذکی، نماینده مردم تخار در ولسی جرگه نیز می گوید: "مردم ولايت تخار برای ظلم و بی عدالتی نیروهای خارجی دست به تظاهرات زدند، اما از طرف مقام های این ولايت سرکوب، کشته و زخمی شدند".

ذکی علاوه کرد: "باید والی و مقام های امنیتی این ولايت به خاطر کشتار مردم بیگانه به پنجه قانون سپرده شوند".

امیر عبدالواحد فقیرزاده یکی دیگر از نماینده‌گان مردم تخار در ولسی جرگه می گوید: "خارجی ها شب چهارشنبه گذشته در خانه ای در تخار هجوم برند و به زنان این خانه تجاوز کردند و سپس آنان را با مردان شان به قتل رساندند".

به گفته وی، حکومت در تخار به جای آنکه عاملان این قضیه را دستگیر و مجازات نماید، دست به کشتار اعتراض کنندگان زد.

محمد سرور عثمانی، نماینده مردم فراه در ولسی جرگه با محکوم کردن عملیات نیرو های خارجی می گوید که خارجی ها با این کار شان برناموس مردم افغانستان تجاوز کردند و باید رئیس جمهور افغانستان و قومدان نیروهای خارجی و سفير امريكا در کابل به آن پاسخ دهند.

مریم کوفی، یکی دیگر از نماینده‌گان تخار نیز در مصاحبه با رادیو کلید مدعی شده بود که نیروهای ناتو در عملیات شان به شکل بی رحمانه به کشتار افراد ملکی دست زده و مرتكب تجاوز جنسی نیز شده اند. به گفته خانم کوفی: "تظاهرات مردم تخار در آغاز به شکل خودجوش و مردمی در واکنش به تجاوز انجام شد، ولی از این تظاهرات مخالفان دولت نیز بهره برداری سیاسی نمودند".

اما شاجهان نوری، قومندان امنیه ولایت تخار، تجاوز جنسی را در این عملیات به شدت رد می کند.

جنرال جوزف بلاتس، سخنگوی نیروهای ناتو نیز، تجاوز جنسی در عملیات تخار را رد نموده گفت که این عملیات بطور مشترک توسط نیروهای ناتو و افغان انجام شده و تمام کشته شدگان اعضاً جنبش اسلامی ازبکستان بوده اند.

در عین حال، عبدالجبار تقوا، والی تخار نیز با رد عمل تجاوز جنسی در عملیات ناتو، تظاهرات را حق مسلم مردم دانسته می گوید: " هیئت به کار خود آغاز نموده، با مشران و بزرگان قوم صحبت های داشته اند، بزرگان قوم هیچکدام طرفدار ادامه مظاهره و خونریزی بیشتر در ولایت نیستند".

وی ضمن اینکه مداخله دستهای سیاسی را در خشونت تظاهرات تخار رد نکرده، تصريح می کند: "ضرب الاجلی در کار نیست و از آن انصراف به عمل آمد".

اما مولوی لطف الله عزیزی، رئیس شورای ولایتی حزب جنبش ملی افغانستان، با رد سخنان والی می گوید: "پس از یک هفته اگر به خواسته های شان جواب داده نشود دوباره تظاهرات آغاز خواهد شد".

تظاهر کنندگان می گویند، اگر دولت به خواست آنان جواب مثبت ندهد علیه حکومت اعلام جهاد می کند.

چرا تخار به پرتش ترین ولایت شمال افغانستان تبدیل شده است؟

پنج شنبه 26 مه 2011، بوسیله دکتر ثنا نیکی/ متخصص علوم حقوق و دولت کابل پرس.

چندی قبل خبر تجاوز جنسی بر یک کودک دوازده ساله در یکی از روستا های تالقان ولايت تخار، از طرف مرد مسلح پولیس که در حقیقت باید مدافع امنیت و مصونیت مردم باشد، در رسانه های سراسر جهان نشر شد.

این کار بر علاوه‌ی که ارتکاب یک جرم خطرناک را نشان میدهد، عملکرد یک فرد امنیتی و اخلاق و تربیه پولیس به اصطلاح ملی را نیز آشکار می سازد که «جامعه جهانی» به افغانستان بوجود آورده است.

بر مبنای واقعه های جنایی و سیاسی، دیده می شود که در این ولايت نیرو های پولیس و مردم در تقابل جدی قرار دارد و خشونت ها میان پولیس و مردم نمی تواند بدون علت باشد. به گمان اغلب سر این نخ ها شاید بدست استخبارات داخلی و خارجی باشد که در صدد زمینه سازی برای پلان های مهم باشند. در یک خبر دیگر مرگ یک قوماندان طالب ازبیکستانی در نتیجه عملیات ناتو پخش شد. گرچه یکجا نوشتن صفت «ازبیکستانی» بعد از کلمه «طالب» مناسب به نظر نمی رسد زیرا در ازبکستان تشکیلات طالبی وجود ندارد و اتهام طالب بودن که زینده پاکستانی ها است که در مورد اسلامگرایان کشور های آسیای میانه هنوز بکار برده نشده است.

در انتخابات دوره دوم پارلمان از تخلفات و تقلبات گسترده از تخار گزارش ها نشر شد و پر جوش ترین اعتراضات هم در همین ولايت صورت گرفت که نامزد وکلای معترض از مداخله زورمندان و تنظیم ها و حکومت شاکی بودند.

در هفته های اخیر از جابجا شدن کوچی های مسلح در ولايات شمال افغانستان، فاریاب، تخار، جوزجان گزارش هایی نشر می شود. که افراد مسلح بنام کوچی ها در نقاط مهم این ساحات جابجا می شوند.

قبل از دهه‌ی حکومت کرزی تخار بزرگترین قرارگاه حزب جمعیت اسلامی ، اتحاد اسلامی سیاف و شورای نظار بود که احمد شاه مسعود هم در خواجه بها الدین تخار قربانی عمل انتحاری گردید. حالا نیز تنظیم های اسلامی ذکر شده در این ولايت فعالیت دارند که در ایجاد بحران ها و در همه امور ولايت و به ویژه انتخابات می توانند نقش داشته باشند.

سوال در این است که چرا همه مسایل در این ولايت به چالش کشانیده می شود؟ چرا نارضایتی دائمی در تخار موجود بوده و چرا حلقات حکومتی درین ولايت همیشه با نارضایتی، تشنج و اعتراض روبرو می شوند و چرا خواست این مردم با سرکوب و خشونت جواب داده می شود؟

بعد از مطالعه این مسله، ملاقات با اهل نظر که از ساکنان این ولايت بوده اند ، تدوام مشکلات در ولايت تخار را در دو نکته ذیل می بینم:

نکته اول: در سیاست انتقال جنگ از جنوب به شمال افغانستان تخار یکی از مهمترین ولایاتی است که باید جنگ و بی ثباتی در آنجا ترویج شود. ولایت تخار از نقطه نظر سوق الجیشی ارزش زیاد دارد که انتقال «کوچی ها»، دست اندازی تغییرات دموکراتیک و دگرگونی های انتیکی در این ولایت به سرعت جریان دارد که موجب نارضایتی و خشم مردمان بومی شده، همواره باعث بروز زدخورد ها و جنگ های قومی می شود. گرداننده های تغییرات ساختار انتیکی در تخار که در اجرای پلان های شان با مقاومت مردم محل روبرو شده و بعد از هر ناکامی با آمادگی های جدید وارد عمل می شوند.

مقاومت مردم در برابر مهمنان «نازدانه» حکومت کرزی یعنی «کوچی ها»، گرداننده های اصلی این پلان را مشتبه ساخته است که شاید در عقب این مقاومت مردمی حمایت خارجی هم موجود باشد. به همین دلیل است که هزاران سرباز ناتو بخاطر جستجوی یک فرد «طالب» ازبیکستانی در تخار عملیات گسترده را انجام میدهند.

نکته دوم: مشکل عده در این ولایت عدم تناسب سهمگیری مردم در قدرت است. ساختار انتیکی تخار طوری است که ازبیک ها و ترکمن ها اکثریت نفوس این ولایت را تشکیل میدهد و تاجیک ها پشتون ها و هزاره هم در این ولایت ساکن هستند.

تمثیل قدرت در این ولایت مطابق فورمول «پیمان بن» صورت می گیرد. یعنی سیاست و اداره اقتصاد را جمعیتی ها، سیاف و کرزی قبضه کرده اند و مردم بخاطر سهمگیری در قدرت با تقلب، سرکوب اعترافات، دسیسه و حالا با قوای ناتو روبرو می شوند..

حمایت مردمی جمعیتی ها از مردمان شهر نشین و اهل حرفه، پشتیبانی مردمی سیاف پشتون های که تا حال بنام (ناقلين) یاد می شوند و پایه های مردمی کرزی طالبانی اند که بنام های «تسليیمی»، کوچی ها، بی جا شده ها و نام های دیگر در تخار جابجا می شوند.

گرچه استعمال صفت ناقلين را برای کسانی که در این ولایت تولد شده اند لازم نمیدانم، ولی زمانیکه آنها در حمایت با کوچی ها و یا طالبان اصول همزیستی را رعایت نمی کنند، مردم هنوز این صفت را که در حقیقت به پدران آنها اطلاق می شد، بکار می بند.

این است، علت های پرخاش و جدل دائمی در ولایت تخار که با دوام دسیسه تداوم پیدا می کند و تنها مردم است که قربانی میدهند.

این معضل ادامه همان جدل سده ها است که همواره تکرار میگردد.

گزارش زیر از تخار را که از تارنامه کابل پرس اقتباس گردیده است، بایست نقادانه خواند و تجزیه و تحلیل نمود و به عاملین جنایت در تخارستان نفرین فرستاد.

۱

حقیقہ دریں ۲۷/۱۳۹۰ درویش تخار!

محل وقوع : روسته کولابی مرکز نوار قره سوی تخار موقعت دارد.

دریں ۲۷/۱۳۹۰ روز طوف فوجیانی آمد روی دویش کولابی محلیه خوش باده

نظام صورت رفت آن منطقه اوزبیک نشین بوده که مردم آن بستان فقر و

کی لشکر که نزدیک روز مرثیت بخوبی بوده، که بیشتر آنها را کشتند. هر دو

آن منطقه بیشتر کم بین بوده که از کشت معلق آن نزد دویش را برداشتند. هر دو

چهاری از نزد نزدیک دارند رفت بازی آنها کار و وزیری ماراد مصوّل دیگرانی

رجاهه ندارد و باهم و معاون از نزدیک آن را پیش می بینند.

دیگر فناوری : مردم آن محل توپیاً دارند که دور عزم نزد مرکز تخار و دویش ندارند

آنها و بجهة اسکان متعلق شوره وهم خذل المعاشره و با طالعه می شوند نیزی کافی

آنکه نیز عده نفوذ ندارند و با امن ترین منطقه همیشه حی را درند. "می خواهند نزدیکی خواهند

دزدی از مردم آن مردم آن میان میان و نزد شجاعیه هر دویش و پاکیزه ترین نیزهای میان آنها

درین و فوجیان، منتفعند، بکم و بکم و بکم و بکم خاص خود را دارند. و سختی "می خواهند

دشمن دزدند. که در مردم فوجیان سمعانند و فوجیان میگذرند و بیشترین در آن قریه نفوذ نکرده بندند"

زیرا طبق دین موسی و میریانی بکریانه.

قصدها و قدر : دریں ۲۷/۱۳۹۰ درجات قریه زرعی ۱۱ بیج را روی قرق زلنجان ۴ کیلومتر

عنه نزدیکی و پایه نظامیکی باز میگشند و میگشند که دویش طبله ری همکوی و طبله ایشانی

که دویش آن قریه باشی و میگشند که درین عده ایشانی بستان میگشند و میگشند

وی همچنان و بکر آبرویی شده. بعدها تا میان مردم و خدمه میگشند و خدمه خود و خدمه آنها و خدمه

و خدمه دیگر بجهه ایشان بگشند و میگشند که شاید خدمه دیگر آنها همچنانه بخوبی بجهه ایشان

خدمه دارند بجهه ایشان بخوبی بجهه ایشان بگشند و میگشند که دویش دویش دیگر ایشان را درین

بیوی و دیگر.

۵۰

ند فریاد کرد و شفاف پیرچه معلو شد و قتل شدیده کشیده بگذشتند. و در حکمها به کت آنها نزد
 محل قتل باید این خبر جزو مدارج حلازن کارخانه ناشر و صورتی برگزد. بعد از قتل همچنان
 و مردم محل بعد از ختم عله و ترک ران قویانه در آن عوامی فتحی بینهای خفر جون و مدارج حلازن
 در حالات نیز و جان کشیدند بودند اما آن روزیم صده هشتاد نیم باز اینها مبتدا شدند که
 سه پیش از شان کاملاً پاره شدند و نهاده شوند. عالم و بزرگان از زن و غیره مکان دستور
 کمالی و حیثیت فرنز مولوچیه به مشهور خلیلیه. از فریاد که سرمه کشیدند میان اعماق
 اندیمه از آن خبر مروج شد و کسی که آن صد توپیا به خصوصی از خانه یک که مفترده داشد و از
 بسته احکام و پردازش آن را نیزه ایهاست مرتدند و هسته هسته از درز داشتند و باز خود
 این کم خسته نوشیدند و پاره و دروده کی از بینهای رفاقتانه بودند. از کمالی که دادند دادند
 مسخره خسته نیز نیمی شیخال شرق بدن بیکار رطیع و قیس بیست بیانه بیشتره بام از زبانه
 ایمانی غایید. و هر یکی بیگانی را استیگر خوانند: کم خدر علی عذر بیفت راه غیری چه خسته کنند.
 در حالکنی این دستگردیه همان عده بگاو گویشند بده بروی خرسه از ملکی کی اینها ویدند غای
 بروی فرنزیک آن دروده بودند. داده اند و کار کردند آنها تشنه و درست در ای باقی مانده از دروده
 و خواستند از زنی کی زنده بگویندند. ای جای خنایه ای صنعتی تغییر روزه نا معمول و مسلک خانه
 را در گروهات نیزه خسته و نیزه ای هنایند ر آیا گز نیکتنه ای چه عیش نیز و با حق فتنه ای.
 این مرضیع نایق و دست کت. ای ای ای دادو، دادو، چهار، چهار، ای اینها عزیز عذرها رفته فرم کردند
 برویست. چه دلیلی نزد آنها میگردند؟ لیعنی دو حالات و چهار دارد. ای اینها خود را در بیرون
 مسلم کنند ای ای خانه ای
 ای خوش خدی ای ای کامله ای
 مسخا داری خوشی ای ای

و عین قسم عده دیده نمیخواهد که ای
 ای

دھر خپن کا رکھنے والے نوادرات قویہ ہی اور اس فریضے کو فرقہ الازم و ملک کو جو چیز انداز
مردم اس سنت کے لئے، تو ہر عقل آنے میں بھتیاں کر کے تجزیہ کر، نیز و اذرا جامعین
خوش را تکمیل کرتے آئیں معاشر دلیل صحیح رسانیدہ نظام وداد خود گایا۔ با جو عم
چور عقل پر خود شرکت نہ نوادرات را پیگزد۔ قدرتیاں! اے مردوں! اطفیل ہمہ غریب ہو چکے ہوئے
تمانی دیوار عالم کیوں، مردوں عالم کیوں، عبادوں پر یہاں و خوبیت دیوں حرمیں را بے کار رکھیں ہوتیں نہ رہا
تمانی خواستہ نہیں تاریخ پر احوال میں مجھے حرم کوچھ حاصل نہ۔ تمانیت مردم افخر ہم ساز نہ
تمانی خواستہ قسم ورثت حضرت و خود نہیں تاریخ پر احوال میں۔ و راحیں علی خواستہ حشم مردم افخر
حشمت و اذرا کریں دلیل معاشر و فریضت طلب و میتوانہ ۹۰۰ حادیعنا و فی اکتف دوئے زر حجۃ و میتوانہ
کرکے حرم، اکوئی وہ میتوانہ T.P.R. میں غار، قوی نکارہ و مولیٰ سڑاکر خدا کو
را دکھانے پڑے۔ بیکھانی سیکھی مالی وہ وقوف اپنے مہمنتیہ را ماقدہ تکمیل کر رفاقت تلاجہ کو
جنگیں سکلیں دیتا۔ نقش روکت و خوار در حکمت کا مینی سنت و میتوانہ ترمذ دینما و کرکے نہیں رفت۔
بلہ ماصدہ اُور دُور راجحہ۔ سر برلن پر لپٹ، خستہ دیکھ باندھا و قیقی فرشیں کھلائیں
شیرا۔ خپن آئیں پھر ویاچھ کھلہ نہیں۔ و اتنی اوقاریں نوادرات خواستہ بیٹھ نہیں و از رضا
پیشہ مردم کر دیں۔ نوادرات خاصہ، باریستہ و خوب سالدی خواستہ قوم دیکھ بینہ و لذوق
سر برلن و خستہ، پر لپٹ خل و ملٹیٹھی T.P.R. میں غار، ناشستہ میں سفر کلکٹوں
و پیچا، پاسخ دیجئے۔ دولت چنان روکت و پیچہ کئہ خود و میتوانہ رافریوں کو رہ نہیں رفت
کی حدود میں رہا بار خود دیکھا پولیس و مسٹر برلن کی کی تعلیمی تربیہ، ۵۰۰ قیقی رہیں اور کہ
درستجو تھا خوبی خشوت۔ تھا ان کا وفادار رہا مذاقہ نہیں،۔۔۔ کہنے و مکنہ کی تکمیل بھجا اور از
لیکھنے خوبی و خستہ دل رکھ دیا وہ بہ کیا داد دیکھنے کی تھی جنہوں نوادرات "خسروں کی تلکوں
خاں میں نہیں، بیکھا لز بکھا، بکھر" کی تھوڑیاں دیکھا وہ رین بیانڈر آئے کہ جو سائنس

حی برگشتن مسکن و خانه از راه است در تضمیم عالی خبر اراده نباشد از
حوزه ذخیره و امنیت برآورده شرکت خود بود - و کم کم این دفعه و فردا
کلیت و ماجرا جوی از حقوق استغاثه سهود پنهان خود را بود - بعین این وقت
متوجه بیک قوم، نزد ادنیو گشت.

والآن خطا خود را با صدقه خواه دیواره ای که باز نباید بگذرانید
و از آن درونکه بجهت تاریخی از روحیه علیه شدت دارد - در فرایج قوهای
حقیقی کار دزدید. ۳. تسبیل عملی قدر را از دولت مرکزی بالتفصیل می‌داند
فرمای اعلامی دولت اسلامی از متفرقه های ای وغیره - در مجموع که خروج استاد
برآورد نکرد و درین میان حفظ ای وغیره - حافظت اعلیٰ جمهوری در تجاوز دولت
سنود و تضمیم این را بگزیند.

۷۲